

## ساختار نظام اجرایی کشور

قسمت دوازدهم



# نیروی انسانی سیستم اداری

محمد رضا حافظ نیا



نیروی انسانی یکی از اجزای مهم سیستم اجرایی هر کشوری می باشد بنابراین، توجه به آن لازم است بخصوص اینکه در ارتباط با نیروی انسانی نیز مسائلی مطرح است که این مسائل مستقیم یا غیرمستقیم در پیچیده شدن امور دستگاهها و تراکم کار و طبعاً ایجاد مشکلات برای مردم نقش موثری دارند. این مسائل از جهات کتبی و کیفی مطرح میباشند لذا مورد بررسی قرار میگیرند. مقدمتاً یادآوری میگردد که سیستم موجود بگونه ای است که جهت انجام امور کشور با وضعیت فعلی نیروی بوده و کادر اداری و اجرایی وسیعی را بخصوص در بُعد خدمات، نیاز دارد و تعداد کارکنان و پستهای سازمانی متناسب با وظایف مربوطه تعیین گردیده است و هر نوع حذف پست سازمانی یا کارمند در حالتی که ماهیت سیستم در تمرکززدایی، کاغذبازی و... تغییر نکرده است باعث آفرینش مشکلات جدید و تراکم کارها و تأخیر در انجام آن و پیچیده تر شدن امور مردم خواهد گردید. یکی از مشکلات کنونی نیروی انسانی دستگاهها خالی بودن بخشی از پستهای سازمانی از کارمندان رسمی می باشد که گاهی تا ۴۰٪ پستهای سازمانی واحدها را شامل میشود و خالی بودن پستها منجر به فشار کار اداری به دوش کارکنان موجود گردیده و فرصت انجام وظیفه اصلی خود را از آنها سلب خواهد کرد. کمبود نیروی انسانی و خالی بودن تعدادی از پستها بدلیل مختلف می باشد که از آن جمله میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

### عوامل خالی بودن پستها

- ۱- تصفیه و بستگان رژیم گذشته و خطاکاران که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انجام پذیرفت و بجای آنها افراد جدید جایگزین نشدند.
- ۲- بازنشسته شده عده ای از کادرهای اداری دارای سابقه خدمت بالا و جایگزین شدن افراد جدید.
- ۳- ترک خدمت، فوت و سوانح برای تعدادی از کارکنان که خودبخود از مجموعه حذف گردیدند.
- ۴- جاذبه دار نبودن کار اداری از جهت حقوق

مسئله نیز ضروری است که بدلیل وجود تبعیض حقوقی بین دستگاههای دولتی، غالباً افراد کارمند، اشتغال در دستگاههای دارای حقوق بالا تر مانند بانکها و وزارت نفت را ترجیح می دهند و متأسفانه این جریان نیز در دستگاههای دولتی ناشی از وجود تبعیض بین آنها تشدید گردیده است و گریز از وزارت آموزش و پرورش و جذب به وزارت نفت میتواند نمونه روشنی باشد.

۵- کمبود یا نبود مجوزهای استخدام همانند گذشته در دستگاههای دولتی بعامل مختلف از جمله مشکلات مالی دولت در شرایط کنونی و اتخاذ سیاست جلوگیری از تورم کارمند، که اگر دولت با کمک مجلس توفیق یابد و سیستم اداری را بنیادی تغییر دهد احتمالاً تعدادی از کارمندان فعلی نیز اضافه باشند ولی در قالب سیستم موجود متأسفانه تعداد کارمند موجود نیز کم میباشند.

با توجه به موارد مزبور، مشاهده می گردد که عده ای از کارمندان و کارشناسان مجرب در اثر بازنشسته شدن و سوانح از رده خارج می شوند و یا اینکه با ترک خدمت و انتقال آنها، بخشی از پستهای سازمانی دستگاه و اداره خالی می ماند و طبعاً در اثر جایگزین شدن فرد جدید وظایف وی بر روی زمین می ماند و نهایتاً بر سر سایر افراد باقیمانده سرشکن شده و آنها را نیز از کار اصلی باز خواهد داشت چرا که حجم کار زیاد شده و برای انجام آن باید بر دیگران فشار وارد گردد و اگر بحذی برسد که کادر باقیمانده نیز عاجز باشند، امور مردم و دستگاه معطل خواهد ماند و کمیت گزرائی جای کیفیت گزرائی در انجام وظایف را خواهد گرفت و این همان چیزی است که در حال حاضر دستگاههای اداری کشور را تهدید می نماید.

در اینجا مجدداً یادآوری می گردد که در قالب سیستم اداری موجود کشور که تمرکز گزرائی و کاغذبازی و امور زیاد از مشخصات آن میباشد، حجم کار بی مورد متأسفانه زیاد است و گریزی هم از آن نیست بلحاظ اینکه اگر یک مورد آن انجام نشود کارمندان دیگر نیز در مسیر سلسله اقدامات نخواهند توانست وظایف خود را انجام دهند، همانند

و درآمد به نسبت درآمدهای مشاغل دیگر و اینکه افراد از کار اداری کناره گیری نموده و سوی مشاغل دیگر رومی آورند و این امر در مورد کادرهای اداری متخصص بیشتر دیده میشود. بعنوان مثال یک نفر مهندس یا پزشک یا حسابدار، کار آزاد را بر کار اداری ترجیح داده و دست به استعفاء یا ترک خدمت میزند. در اینجا اشاره به این



حلقه های زنجیر که اگر یکی از آنها حذف گردد زنجیر پاره خواهد شد و سلسله امور اداری که قبلاً نیز به گوشه هایی از آن اشاره گردید شبیه حلقه های زنجیر میباشند و مجموعه اقدامات نهایتاً به انجام یک امر مورد نظر منتهی میگردد.

مسئله دیگر که قابل توجیه بود اینست که افراد متخصص مانند مهندس - دکتر - معلم - کارشناس متخصص و غیره بدلیل جاذبه دار نبودن مشاغل اداری نسبت به مشاغل دیگر ترک خدمت می نمایند و جذب مشاغل خصوصی و یا دولتی بر درآمد مانند بانکها می شوند و معلوم است که خالی شدن اداره و دفتر یا دستگاه و سازمان از نیروهای متخصص باعث لطمه خوردن بوظایف آن شده و هم باعث کاهش شدید کیفیت کار آن خواهد شد و هم از جهت کمی وظیفه مربوطه بر روی زمین مانده و بردوش دیگران سنگینی خواهد کرد و اگر او در اداره ای منحصر بفرد باشد مشکل شدید بوده و نبود او بمعنی تعطیلی دستگاه در ارتباط با انجام وظیفه اش خواهد بود. این مسائل مستقیم و غیر مستقیم باعث معطل ماندن امور مردم و مملکت خواهد شد.

## نیازهای پس از انقلاب

مسئله دیگر اینست که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بدلیل ضرورت های متعدد نیازهای جدیدی مطرح گردیده است و این نیازهای جدید در ارتباط با ضرورتها طبعاً وظایف جدیدی بر روی دوش دستگاه قرار میدهد و علاوه اینکه در طی این چند سال مرتباً جمعیت کشور رو به رشد بوده و افزایش یافته است؛ این افزایشها نیز نیازهای جدیدی را مطرح کرده است که می بایست دستگاهها با نیروی انسانی موجود خود آنها را رفع نمایند و روز بروز نیز افزوده میگردد.

در حالت اول نمونه ها فراوان است که عمده آنها ناشی از تأثیر مستقیم و غیر مستقیم جنگ است مثلاً کمبود سوخت و سهمیه بندی آن باعث افزایش وظایف دستگاههای ذیربط و طبعاً نیاز به نیروی انسانی گردید. شرکت نفت هم برای تهیه و توزیع کوپن و هم برای تدوین مقررات و هم برای

توزیع مواد سوختی در سطح کشور و سایر مسائل مربوطه احتیاج به نیروی جدید داشت. وزارت کشاورزی و ادارات کل و ادارات شهرستان برای توزیع گازوئیل و روغن و کوپن مربوطه و صدور حواله جهت تراکتورها و موتورهای چاه آب درگیر موضوع سوخت گردید. فرماندارها و وزارت کشور و استانداریها درگیر شدند. وزارت راه و ترابری و ادارات کل مربوطه و پلیس راه و غیره برای گازوئیل کامیونها دچار گرفتاری شدند. وزارت صنایع برای تأمین سوخت کارخانجات در این مسئله درگیر شدند.

وزارت برنامه و بودجه و سازمانهای مربوطه برای تأمین نیاز شرکتهای پیمانکاری گرفتار شدند. وزارت جهاد سازندگی و جهادهای استان و شهرستان دچار این مسئله شده و بخشی از نیروی آنها مشغول گردید. کلبه وزارتخانه ها و ادارات کل استان و شهرستان برای تأمین نیازهای خود بنوعی درگیر این مسئله شدند. ستادهای سوخت در سطح کشور و ستادهای بسیج اقتصادی همگی گرفتار این معضل گردیدند. بانکها نیز از این مسئله بی نصیب نماندند و با کمبود کادری که دارند در این موضوع درگیر شدند. انجام امور مربوط به تهیه و توزیع کوپن و حواله گازوئیل و نیز تهیه و تأمین خود گازوئیل و روغن، بخشی از وقت و نیروی کارکنان کلبه وزارتخانه ها و سازمانها و نهادها را در سطح مرکز و استانها و شهرستانها و بخشها بخود اختصاص داد. علاوه بخش غیردولتی مانند تعاونیهای کامیونداران و رانندگان و کارخانجات و شرکتهای و... نیز بخشی از نیرو و وقت خود را بر سر این کار گذاشتند. حال تصور طیف گسترده درگیری نیروی انسانی دستگاهها و نهادهای دولتی و مردمی فقط در مورد یک کالا و آنهم گازوئیل ما را به اهمیت مسئله واقف نموده و بخصوص اینکه این امر باعث می گردد بخشی از توانائی دستگاهها از انجام وظیفه اصلی منحرف و برای این امور مصرف گردد و لذا بر کارائی دستگاه و حل و فصل امور مردم اثر منفی می گذارد و یادآوری می گردد که غالباً برای این وظیفه جدید نیروی انسانی جدید و رسمی به ادارات

اضافه نشده است. البته چاره ای هم جز این نبود بلحاظ اینکه گازوئیل کم بود و می بایست عادلانه توزیع گردد لذا از اینجهت بحثی نیست بلکه بیشتر بیان این مسئله است که این وظایف جدید بر کارائی دستگاهها در شرایطی که سازمان و نیروی جدید بخاطر آن تأمین نگردد تأثیر منفی می گذارد. همین جریان بیان شده در مورد گازوئیل در ارتباط با تهیه و توزیع سایر مواد سوختی مانند بنزین - نفت سفید - روغن - نفت سیاه - قیر و غیره صادق می آید و همگان از مسائل گوناگونی که انجام آن به همراه داشته و دارد مقلند.

از مواد سوختی که بگذریم مسئله کالاهای اساسی و غیر اساسی مورد نیاز پیش می آید و توزیع آن بسیاری از دستگاهها را درگیر نموده و نیروی انسانی موجود آنها را بخود مشغول می دارد. مثلاً توزیع قند و کوپن مربوطه، سازمان قند و شکر - ستاد بسیج اقتصادی - وزارت بازرگانی - وزارت صنایع - وزارت کشاورزی - سازمان تعاون روستا - بانکها - فرماندارها و... را در سطح مرکز و نیز استانها و شهرستانها درگیر کرده و نیاز جدید به نیروی انسانی را بوجود می آورد. توزیع جای - لوازم خانگی مانند یخچال و پنکه - پارچه و فرش و بخاری و روغن خوردنی - تابند و صابون - گوشت و پنیر و لبنیات و غیره بهمان نسبت ایجاد کار جدید برای دستگاهها نموده و منجر به غفلت آنها از وظایف اصلی می گردد. توزیع تراکتور و وسایل کشاورزی نیز باعث ایجاد گرفتاری برای فرماندارها، بخشدارها، جهادهای سازندگی - بنگاه توسعه ماشین آلات کشاورزی - وزارت کشاورزی - هیئت هفت نفری - سازمان تعاون روستائی - بانک کشاورزی در سطح مرکز و استانها و شهرستانها می گردد. توزیع پیکان، موتور و ماشینهای سواری باعث گرفتاری فراوانی برای کلبه وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی گردیده و بخشی از نیروها را بخود مشغول داشته و علاوه بر آن فکر کارمندان ذنبع را که در قرعه کشی سهمیه وزارتخانه شرکت کرده اند بیشتر مشغول کرده و مقداری از بخشهای اداری و کارمندی به این مسائل مربوط می شود. توزیع وانتها و کامیونها و



بطور کلی ماشین آلات باعث درگیری تعداد زیادی از وزارتخانه‌ها و سازمانها و نهادها در سطح مرکز و استان و شهرستان و حاشی بخش می‌گردد. توزیع مصالح ساختمانی مانند تیرآهن - سیمان - آجر و میل‌گرد - کاشی - لوله و چتانی و... نیز باعث درگیری وزارتخانه‌های مختلف مانند بازرگانی - صنایع - برنامه و بودجه - مسکن و شهرسازی - شهرداریها - استانداریها - فرمانداریها - راه و ترابری و... گردیده است و بطور کلی هر کالایی که جنبه سهمیه بندی و توزیع پیدا میکند قطعاً وظیفه جدیدی را برای وزارتخانه‌ها و سازمانها و نهادها و مربوطه ایجاد می‌نماید و انجام آن نیز به امکانات و نیروی انسانی نیاز دارد و وقتی برای آن سازمان، نیروی انسانی جدیدی پیش بینی نگردد طبعاً بر روی دوش نیروی انسانی موجود سنگینی می‌کند که باید آنرا انجام دهند، چون لازم است، و بخصوص در شرایط کنونی شاید چاره‌ای جز توزیع عادلانه با این طریق وجود نداشته باشد ولی بهرحال نیروی انسانی موجود دستگاهها را بخود مشغول داشته و از وظیفه اصلی خود بازمی‌دارد و مستقیم و غیرمستقیم باعث معطل شدن امور مردم می‌گردد. توضیح اینکه بخش وسیعی از انجام امور توزیع کالاها و خدمات خوشبختانه بدوش شورای اسلامی شهرها و روستاها و نیز تعاونیهایی صنعتی و تولیدی قرار دارد و این امر کمک زیادی به دستگاههای دولتی می‌باشد چرا که اگر دولت خودش می‌خواست تا آخرین مراحل توزیع را انجام دهد شاید اگر کلیه کارکنان موجود دستگاه مربوطه را بسیج نماید قادر به انجام آن نباشد. بنابراین اقدام شوراهای اسلامی کمک موثری بدولت و مردم بحساب می‌آید.

مسئله دیگر اینکه توزیع کالاها در سطح کشور و در چند ساله بعد از جنگ تحمیلی مناسفانه طیف گسترده‌تری پیدا کرده است و این امر باعث گردیده که در سطح استانها و شهرستانها برای توزیع هر کالایی بالاخره نماینده سیاسی دولت درگیر باشد و بناچار استانداران و فرمانداران و بخشداران شدیداً گرفتار این معضل گردیده‌اند و استاندارها و فرماندارها که دارای سازمان

کوچک و نیروی انسانی محدود برای وظایف خاص خودشان می‌باشند بعهده‌دار مسئولیت توزیع همه نوع کالاها و خدمات و نیازمندیهای مردم گردیده‌اند که شامل کالاهای اساسی مانند قند و شکر - روغن - ناپید و صابون - آرد و نان - برنج و کالاهای غیراساسی سوختی مانند نفت و گاز و روغن و بنزین و قیر - روغن سیاه و گاز و کالاهای غیرسوختی مانند تراکتور - ماشینهای سواری و وانت - کامیون - مصالح ساختمانی آهن و سیمان و آجر - و پارچه و لوازم خانگی و... می‌باشد و اصلاً نمایندگان سیاسی دولت شاید نتوانند با توجه به حجم گسترده این امور از پس آن برآیند و متقابلاً از انجام وظایف مربوطه نیز غافل خواهند ماند و همین امور باعث گردیده که برای مردم و ادارات و سازمانها و نهادها امر مشته گردد و تصور نمایند که استاندار یا فرماندار یعنی کسی که آهن و مرغ و روغن - پیکان - پخشمال و تیرآهن و... توزیع میکند!! و او را موزع خوبی بدانند و در اینجا او ناچار است نقش رئیس اداره بازرگانی و بازاری کند!! و مردم هم همین را از او انتظار داشته باشند و مناسفانه این مسائل باعث گردیده بود که نمایندگان سیاسی دولت در استانها و شهرستانها از وظایف اصلی خود که همانا ایجاد هماهنگی و اجرای سیاستهای دولت - برقراری نظم و امنیت - تنظیم امور سیاسی و اجتماعی منطقه - برنامه ریزی و ترسیم آینده منطقه - تلاش در جهت تعیین خطوط کلی توسعه منطقه‌ای و بازور کردن استعدادهای خدا دادی و نهفته - پشتیبانی جنگ - تلاش در جهت توسعه و عمران و رشد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه - نظارت و هدایت دستگاههای اداری و اجرایی و نهادهای منطقه و... می‌باشد بناچار غافل بمانند.

## ایجاد وظایف جدید در رابطه با جنگ

آنچه بیان شد، در زمره تأثیرات غیرمستقیم جنگ بر دستگاههای دولتی و نهادها می‌باشد. حال علاوه بر وظایف جدید و غیرمستقیم که به آنها اشاره گردید پیامدهای جنگ تحمیلی منجر به

ایجاد وظایف جدید بطور مستقیم برای ادارات و سازمانها و نهادها بخصوص در استانهای جنگی گردیده است. یعنی اینکه بدلیل ضرورتها و نیازها اجتناب ناپذیر بخشی از امکانات و نیروی انسانی و وزارتخانه‌ها و نهادها درگیر جنگ می‌باشند. ستادهای پشتیبانی جنگ وزارتخانه‌ها و سازمانها در همین راستا عمل میکنند و برای پشتیبانی جنگ و تأمین نیاز جبهه‌ها مثلاً ماشین آلات و تعدادی از نیروی انسانی وزارت راه و ترابری - جهاد - شهرداریها و وزارت بهداشت و درمان - وزارت کشاورزی و نیرو و غیره بکار گرفته شده میشود و حاشی بازرگانی و ویرانیهای ناشی از وحشیگری رژیم بعث عراق نیز بخشی از توان آنها را بخود مشغول داشته است و بعلاوه بازرگانی و رفع آثار و خرابیهای ناشی از اعمال دد منشاء صدامیان کافر در حمله هوایی و موشکی به شهرها و مناطق مسکونی کشور و تأسیسات صنعتی و خدماتی نیز بخشی از تواناییهای دستگاهها را بخود اختصاص می‌دهد. بدین ترتیب می‌بینیم دولت خدمتگزار با همه مشکلاتی که دارد و با همه نابسامانیهای ساختاری نظام اداری و مالی و بودجه‌ای کشور و با وجود تنگناهای متعدد و کمبود کمی و کیفی نیروی انسانی، تمامی وظایف جدید را بدوش کشیده و انجام می‌دهد. در صورتی که نیروی انسانی جدیدی نیز به آن معنی اضافه نگردیده است. البته این وظایف جدید مسلماً مانع از پرداختن آنها به وظایف اصلی خود در حد مطلوب گردیده است و در دراز مدت قطعاً مشکلاتی را ایجاد میکند. لکن با تغییر بنیادی سیستم اجرایی و غیرمتمرکز کردن و حذف امور زائد مسلماً کارائی مفید آن بیش از این مقدور خواهد بود.

## افزایش جمعیت و نیازهای جدید

در حالت دوم افزایش جمعیت نیازهای جدیدی را طرح کرده که باید توسط وزارتخانه‌ها و نهادها مرتفع گردد. رشد جمعیت در کشور ما نسبتاً بالا است و بیش از ۳٪ یا ۳۰ در هزار می‌باشد و احتمالاً تا ۳۵ در هزار میرسد، یعنی هر سال به ازای هر



ثانیاً. وظایف جدید ناشی از مسائل خاص جنگ بطور مستقیم و غیر مستقیم بر روی دوش دستگاهها و طبعاً کارمندان موجود قرار گرفته است.

ثالثاً. حجم عملیات اداری بلحاظ بعضی نابسامانیهای اداری و تراکم نامه پراکنی ها، ناشی از خواستهای مردم در سیستم کنونی اداری کشوره بطور چشم گیری افزایش یافته است.

رابعاً. افزایش جمعیت و تأمین خدمات مورد نیاز آنها وظایف و عملیات جدیدی را برعهده وزارتخانه ها و سازمانها گذاشته است. بنابراین برای کار اساسی و برنامه ریزی که شدیداً به کارشناس متعهد و پرشور و متخصص و متفکر و نیز فرصت کافی و آرامش خاطر نیاز دارد باوجود نیروی انسانی موجود و حجم زیاد عملیات اداری، وزارتخانه ها و سازمانها امکان آنرا کمتر پیدا خواهند نمود. توضیح این نکته لازم است که اگرچه در دستگاهها تعدادی نیروی انسانی قراردادی جذب شده اند ولی بدلیل عدم ثبات و رسمی نبودن، هرآن امکان رفتشان وجود دارد و بعلاوه عمدتاً اینگونه افراد به کارهای خدماتی بیشتر از کارهای کارشناسی جذب گردیده اند و کار کارشناسی به تجربه - دانش و رسمی بودن کارمند احتیاج شدید دارد.

را بفهمند. تحلیل کنند. صاحب نظر بوده و نظر بدهند و بالاخره تصمیم عاقلانه گرفته و مطابق آن رأی دهند مسلماً امور توسعه و رشد کشور دچار نشست گردیده و مشکلات فرهنگی - آموزشی - اجرایی - اجتماعی - خدماتی - اقتصادی کشور حل نخواهد شد بلکه پیچیده تر خواهد گردید و رشد و توسعه بعضی واقعی صورت نخواهد پذیرفت لذا باید مردم چشم و گوش خود را باز کنند و کسانی را برای تصمیم گیری در امور مهم کشور به مجلس بفرستند که علاوه بر تعهد و تدبیر و انفعالی بودن، بفهمند و عاقلانه نظر داده و تصمیم بگیرند.

بهر حال مقصود از بیان موضوع رشد جمعیت در ارتباط با نیروی انسانی دستگاهها این بود که برنامه ریزی و اجرا و انجام اقدامات برای تأمین و رفع نیازهای جدید ناشی از جمعیت جدید، احتیاج به نیروی انسانی جدید از جهت کلسی و کیفی دارد. کلاسهای درس اضافی ناشی از رشد جمعیت - بیمارستان و درمانگاه جدید و برنامه ریزی برای رفع آنها و مراحل اجرا، احتیاج به معلم - دکتر - پرستار - کارمند و کارشناس دارد. اینکه گفته میشود دستگاهها و ادارات کار روزمره میکنند و از کار اساسی و برنامه ریزی غافلند دلیلش با این توضیحات روشن می گردد زیرا: اولاً - کارمند و کارشناس، آنهم بدون اینکه سیستم متمرکز اجرایی موجود کشور که کارمندتر میباشد تغییر اساسی نماید، مرتباً از نظر کمتی و کیفی کاهش می یابد.

۱۰۰۰ نفر ۳۵ نفر افزایش جمعیت داریم که این رشد جمعیت باعث رشد نیازها میشود و مثلاً برای تعلیم و تربیت آنها مدارس و معلم و دانشگاه و استاد جدید نیاز است و یا درمانگاه و بیمارستان و پزشک جدید احتیاج میباشد و یا شغل جدید - مسکن جدید - توسعه شهری و روستائی جدید - امکانات و وسایل تفریح و سرگرمی سازنده و گذران اوقات فراغت نیاز می باشد، نیاز به تغذیه و البسه جدید و وسایل خانگی جدید مطرح می گردد. وسایل نقلیه عمومی - راننده جدید - ماشین جدید - و بالاخره صدها نیاز جدید بوجود می آید که این نیازها باید مرتفع گردد و مسئولین مربوطه نیز وزارتخانه ها می باشند که باید برنامه های توسعه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی کشور را در راستای اهداف نظام جمهوری اسلامی که در قانون اساسی منعکس می باشد و در رابطه با وظایف مربوطه تهیه و تصویب مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مردم برسانند تا بتوانند هم پاسخگوی نیازهای جدید ناشی از رشد جمعیت در آینده باشند و هم بتوانند عقب افتادگیهای گذشته را در ارتباط با توسعه کشور مرتفع نمایند.

توضیح این نکته ضروری است که نقش نمایندگان مجلس در این تصمیمات سرنوشت ساز کشور بسیار مهم میباشد و اگر نمایندگان ناتوان و ضعیف و ناوارد به این مسائل به مجلس راه یابند نتوانند برنامه های توسعه

### روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## چگونه با هوای نفس مبارزه کنیم؟

رساله جامع علوم انسانی

امیرالمؤمنین (ع):

«ذَلُّوا أَنْفُسَكُمْ بِتَرْكِ الْعَادَاتِ وَفُؤُوزُهَا إِلَى فِعْلِ الْقَطَاعَاتِ وَخَمَلُوا بِهَا أَعْيَاءَ السَّمَايِ وَخَلَّوْهَا بِفِعْلِ السَّمَايِ وَضَوُّوْهَا عَنِ ذَنبِ الْمَأْتِمِ».

(غررالحکم - ص ۱۰۷)

نفس سرکش خویش را با ترک عادات ناپسند، خوار و ذلیل نمائید و به انجام اوامر الهی و ادارش سازید و بار غرامتهای تخلفش را بروی تحمیل نمائید و یا ارتکاب مکارم اخلاق زینتتش دهید و از پلیدیهای گناه مصونش دارید.